

دیدگاهی نو درباره آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت

و نقد دیدگاه‌های سه‌گانه مشهور

دکتر عباس مصلاهی پور^۱ - محمد برزگر^۲

چکیده

آیات ۱۶-۱۹ سوره مبارکه قیامت از جمله آیاتی است که در خصوص معنای آن در میان مفسران و محققان بحث به درازا کشیده و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شده است. بیشتر مفسران این آیات را جملات معترضه‌ای درباره قرآن، در میان آیات مربوط به قیامت دانسته‌اند، اما برخی نیز این آیات را مربوط به موضوع قیامت و در صدد ترسیم صحنه‌ای از موافق قیامت دانسته‌اند. مفسران و محققان برای همه این دیدگاه‌ها دلائلی را بیان کرده و گاه دیدگاهی دیگر را نیز رد کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد، هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها به‌رغم شهرت و کثرت نقل، مستند کافی نداشته و با ظواهر و سیاق آیات و برخی قرائن قرآنی و روایی همخوانی ندارد. نگارنده معتقد است آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت، در واقع توصیه‌ای به پیامبر اکرم ﷺ در شتاب نکردن در ابلاغ آیات پانزده‌گانه ابتدای سوره قبل از اتمام سوره می‌باشد. در این مقاله، ابتدا هر یک از دیدگاه‌های مشهور را بیان کرده و نقد می‌کنیم، سپس دیدگاه جدید و توضیحات و مستندات آن را بیان می‌داریم.

کلید واژه‌ها: سوره قیامت، رویکرد تدبیری، رویکرد سیاقی، تناسب آیات، جمله معترضه.

۱- دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) amusalai@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

mohammadbarzegar@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳

۱. طرح مسئله

در تفسیر آیات ۱۶-۱۹ سوره مبارکه قیامت ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾. مفسران گفتگو بسیار دارند، و به طور عمده، سه تفسیر برای آن ذکر شده است:

نخست، تفسیر معروفی است از ابن عباس که در کتب حدیث و تفسیر نقل شده و تا قبل از علامه طباطبایی بیشتر مفسران بدان معتقد بوده‌اند. در این تفسیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سبب عشق و علاقه شدیدی که به دریافت و حفظ قرآن و ترس از فراموشی آن داشت، هنگامی که پیک وحی آیات را بر او می‌خواند، همراه او زبان خود را حرکت می‌داد و در خواندن آیات عجله می‌کرد. خداوند او را نهی فرمود که این کار را مکن که خود ما آن را در سینه‌ات جمع می‌کنیم. در این نظر، آیات ۱۶-۱۹ در واقع کلام معترضه‌ای در میان آیات قبل و بعد آن می‌باشد. (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۰/۱۰-۶۰۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۲۶-۷۲۹؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰/۱۹۵-۱۹۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۶۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸/۲۸۶-۲۸۷).

تفسیر دومی که طرفدار کمتری دارد، این است که مخاطب در این آیات، گنهکاران در قیامت‌اند که به آنها دستور داده می‌شود نامه اعمال خود را بخوانند و حسابگر خویش باشند، اما ایشان به هنگام خواندن نامه عمل خود، وقتی به سیئات می‌رسند، ناراحت می‌شوند و می‌خواهند با عجله از آن بگذرند، این دستور به آنها داده می‌شود و آنها را از عجله باز می‌دارد و موظف می‌شوند هنگامی که فرشتگان الهی نامه اعمال آنها را می‌خوانند، آنها نیز از فرشتگان پیروی کنند. در واقع مطابق این تفسیر، برخلاف تفسیر قبل، این آیات شکل جمله معترضه ندارد و با آیات گذشته و آینده مربوط است و همگی با هم پیوند دارد؛ زیرا همه مربوط به احوال قیامت و معاد است. فخر رازی این دیدگاه را از قفال و طبرسی، آن را از بلخی نقل کرده‌اند (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۰۰-۶۰۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۲۷).

تفسیر سومی که ظاهراً علامه طباطبایی اولین مفسری است که به شرح کامل آن

پرداخته و برخی مفسران بعد از ایشان بدان معتقدند، این است که: قرآن دارای دو نزول است: "نزول دفعی" که در آن قرآن، یک جا در "شب قدر" بر قلب پاک پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و "نزول تدریجی" که در طی ۲۳ سال صورت گرفته است. پیامبر اکرم ﷺ که در اثر نزول دفعی قرآن، علم اجمالی به قرآن داشت، گاه در هنگام نزول تدریجی به سبب علاقه شدید به قرآن، در خواندن آیات بفرشته وحی پیشی می‌گرفت، لذا در این آیات به او دستور داده شد که از این کار خودداری کند و بگذارد تا الفاظ آیات به طور کامل توسط جبرئیل قرائت شود و آنگاه ایشان به تلاوت آن بپردازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۰۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰-۲۸۱).

البته برخی محققان معاصر با تدبر و نگاه مجموعی در آیات سوره قیامت، دیدگاهی جدید درباره معنای این آیات مطرح کرده‌اند (الهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۱؛ صبحی، ۱۳۹۴ ش: ۵/۹۵-۹۷) که به نظر می‌رسد با کمی توضیح و تکمیل، دیدگاه صحیح و جامع‌تری نسبت به سه دیدگاه مشهور می‌باشد. نظریات برخی دیگر از محققان معاصر نیز تشابهاتی با این دیدگاه دارد.

۲. تحقیقات اخیر

محققان کنونی در برخی تحقیقات به نقض و ابرام دیدگاه‌های مشهور درباره این آیات پرداخته و برخی با استناداتی دیدگاه اول را رد کرده و به تثبیت دیدگاه دوم پرداخته‌اند (بنگرید به: فقهی‌زاده، ۱۳۷۷ ش: ۳۱-۴۲؛ نجارزادگان، ۱۳۸۵ ش: ۴۳-۶۲)، اما برخی نیز با استناداتی به رد دیدگاه دوم و تثبیت دیدگاه اول پرداخته‌اند (آخوندی، ۱۳۹۲ ش: ۱-۲۰). البته یکی از اشکالات در این تحقیقات آن است که دیدگاه اول و سوم را یکی فرض کرده‌اند، حال آنکه - چنان‌که یاد شد - و در ادامه توضیح بیشتر آن می‌آید، میان این دو دیدگاه تفاوت بسیاری وجود دارد، به طوری که قائلان دیدگاه سوم به صراحت دیدگاه اول را رد می‌کنند (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۱۰ و ۲۰/۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰؛ مدرّسی، ۱۴۱۹: ۱۷/۱۴۸-۱۴۹).

در یکی از تحقیقات اخیر، محققان با قرائن و دلایلی، دیدگاه اول را - که گویی آنان

نیز به اشتباه با دیدگاه سوم یکی گرفته‌اند - رد کرده و در معنای این آیات به اختصار، دیدگاهی را مطرح می‌کنند که تا حدودی به دیدگاه مقاله پیش رو شبیه است (خامه‌گر/جلالی، ۱۳۹۱: ۳۲-۵۰). نزدیک به همین دیدگاه را قرآن پژوه معاصر دیگری نیز بیان می‌کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۹).

۳. دیدگاه‌های مفسران درباره آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت و نقد هر یک

چنان‌که یاد شد، مفسران درباره این آیات، سه دیدگاه را مطرح کرده‌اند. در ادامه به نقل هر یک از این دیدگاه‌ها و نقد آنها خواهیم پرداخت.

۱-۳. دیدگاه نخست

در دیدگاه نخست که مشهورترین دیدگاه نیز می‌باشد، بر پایه نقل ابن عباس، موضوع را مربوط به عجله پیامبر اکرم ﷺ در قرائت آیات قرآن قبل از تمام شدن کامل نزول آن دانسته‌اند و علت آن را حبّ شدید پیامبر اکرم ﷺ به قرآن و ترس از فراموشی آن می‌دانند (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۱۱۶-۱۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۸۹). بر اساس این نظر، آیات ۱۶-۱۹، تنها جمالتی معترضه در میان آیات این سوره بوده و با موضوع مورد بحث سوره ارتباط خاصی نداشته و معنای آن نیز چنین است: از شوق قرآن و ترس از نسیان آن، زیانت را با عجله به خواندن آن حرکت مده؛ زیرا جمع آن در سینه‌ات و توانایی قرائت توبه عهده ماست، پس هنگامی که آن را قرائت کردیم از قرائت آن پیروی کن، سپس بیان آن نیز بر عهده ماست (بنگرید به: طوسی، بی تا: ۱۰/۱۹۵-۱۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۶۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۰۰-۶۰۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۲۶-۷۲۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸/۲۸۶-۲۸۷).

۲-۳. نقد

۱- زیربنای این دیدگاه، یک نقل است. این نقل در میان صحابه منفرداً از ابن عباس نقل شده و برخی تابعین نیز آن را از طریق ایشان یا بدون واسطه نقل کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۱۱۶-۱۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۸۹)، لذا این خبر از یک سوازمعصوم رضی الله عنه

روایت نشده و از سوی دیگر در میان صحابه تنها از ابن عباس نقل شده است.

۲- محتوای این نقل، با ظواهر این آیات همخوانی ندارد؛ زیرا اولاً این آیات، عجله را دلیل حرکت لسان پیامبر اکرم ﷺ می‌داند: ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾؛ چه اینکه بنا بر آیات، علت نهی از عجله، مسئولیت ویژه الهی بر جمع، قرائت و بیان قرآن دانسته شده (با توجه به این تعلیلیه در آیات ۱۷ و ۱۹؛ صافی، ۱۴۱۸: ۱۷۲/۲۹-۱۷۳). در صورتی که ارتباط این تعلیل‌ها به ویژه مسئله جمع و بیان قرآن با خبر منقول و برداشت حاصل از آن روشن نیست، مگر اینکه در ظواهر آیات دخل و تصرف کنیم؛ مانند: جَمَعَهُ: جَمَعَهُ فِی صَدْرِكَ، قُرْآنَهُ: إثبات قرائته فی لِسَانِكَ (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۵۷) که حتی با توجیهات مذکور نیز انسجام مفهومی آیات به خوبی روشن نمی‌شود. از همین روست که برخی مفسران، این نقل و برداشت حاصل از آن را موافق سیاق و منطبق بر آیات نمی‌دانند (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۱۰ و ۲۰/۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰).

۳- در این دیدگاه مشخص نیست که این آیات به چه علت در این سوره و آن هم نه در سیاقی جدا، بلکه در میان مباحث مربوط به قیامت آمده است؟ اگر این آیات هیچ ارتباطی با قبل و بعد ندارد، چرا در سیاقی جداگانه یا حتی سوره‌ای جدا، نازل نشد تا مخاطب را دچار توهم ارتباط ناروا نکند؟ به عنوان مثال، فخر رازی تلاش کرده، با اندک مناسبتی میان این برداشت از آیات و آیات قبل ارتباطی برقرار کند و آن قدر در این امر به تکلف افتاده که حتی دیدگاه دوم را هم که ناقض دیدگاه اول بوده و خود بدان معتقد نیست، از آن جهت که مناسبت میان این آیات را برقرار می‌کند، به عنوان یکی از احتمالات مطرح می‌کند! (بنگرید به: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۲۶-۷۲۷) البته معقول‌ترین وجهی که فخر رازی بدان اشاره کرده، این است که آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت، نهی از ابلاغ آیات قبل به منکران می‌باشد، که این وجه هر چند دیدگاه برگزیده این تحقیق است، اما با دیدگاه برگزیده فخر رازی قابل جمع نیست!

۴- خوف پیامبر اکرم ﷺ از نسیان آیات قرآن که در این دیدگاه، بدان اشاره شده است، با وعده قطعی خداوند به ایشان مبنی بر عدم فراموشی قرآن ﴿سَتُفَرِّقَنَّ فَلَاتُتْسَى﴾

(اعلیٰ / ۶) همخوانی ندارد، به ویژه اینکه بر اساس تمام جداول ترتیب نزول سوره‌ها، وعده مذکور قبل از آیات این سوره نازل شده است (بنگرید به: معرفت، ۱۴۱۵: ۱/۱۳۳-۱۳۸؛ بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۰۸-۳۴۸). از این روست که برخی محققان برای رفع این اشکال کلیدی، دیدگاه اول را نقض کرده و در تثبیت دیدگاه دوم کوشیده‌اند (بنگرید به: نجارزادگان، ۱۳۸۵: ۴۳-۶۲).

۳-۳. دیدگاه دوم

در این دیدگاه که معدودی بدان معتقدند، زمان این خطاب قیامت است نه دنیا و مخاطب، انسان مکذّب است که آیات قبل به او پرداخته است. بر این اساس، در آن موطنی که انسان مکذّب را به کارهای نادرستش خبر می‌دهند (آیه ۱۳) و کتاب اعمالش را به او عرضه کرده، به قرائت آن دستور می‌دهند (اسراء / ۱۴) او شروع به قرائت نامه اعمال می‌کند، اما از شدت خوف و سرعت قرائت، زبانش به لکنت می‌افتد؛ لذا به او گفته می‌شود: ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَفْجَلَ بِهِ﴾؛ زیرا به سبب وعده حکیمانه‌ای که دادیم، بر عهده ماست که اعمال را گرد آوریم و آن را بر تو قرائت کنیم (آیه ۱۷) پس هنگامی که ما آن را قرائت کردیم تو نیز با اقرار به مرتکب شدن آن افعال، قرائت ما را تبعیت کن (آیه ۱۸)، پس از آن هم بیان و شرح مراتب عقوبت آن بر ماست (آیه ۱۹). (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۰۰-۶۰۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۲۷).

بر پایه همین تفسیر، برخی مفسران نیز این آیات را این‌گونه تبیین کرده‌اند: در آن وقت که انسان مکذّب، نامه سیاه خود را می‌خواند از روی خجلت و شرمساری، جست‌گریخته و با شتاب و عجله می‌خواند و ما به او می‌گوییم: نامه عملت را تند تند بخوان، زبانت را بشتاب مجنّبان و شمرده بخوان (تا یک یک را مورد بررسی قرار بدهیم). البته بر ماست گرد آوردن اوراق نامه اعمال، و بر ماست خواندن آن. پس چون هر ورقی را خواندیم، بعد تو در خواندن، آن را باز گو کن، باز (اگر با خود گویی که: منکر می‌شوم) البته بر عهده ماست که آن را بر تو مدلل و واضح کنیم (بلاغی، ۱۳۸۶: ۷/۱۳۲). شیخ محمود شلتوت نیز به این دیدگاه گرایش داشته (شلتوت، ۱۴۰۵: ۱۸۱) و برخی محققان کنونی نیز

در دفاع از این دیدگاه، تحقیقاتی انجام داده‌اند (بنگرید به: فقهی‌زاده، ۱۳۷۷: ۳۱-۴۲؛ نجارزادگان، ۱۳۸۵: ۴۳-۶۲).

۴-۳. نقد

۱- برخی محققان در دفاع از این دیدگاه چنین بیان داشته‌اند: این تفسیر برای آیات، با نمایش صحنه‌ای تکان‌دهنده از دلهره و اندوه کافران در هنگام بازخوانی اعمالشان، آهنگ سوره را به خوبی یکنواخت و یکدست جلوه داده است، آن چنان که هیچ‌گونه قطع و انفصالی در آن مشاهده نمی‌شود (فقهی‌زاده، ۱۳۷۷: ۳۹). اما دقت در ظواهر و سیاق آیات سوره خلاف این مطلب را ثابت می‌کند؛ زیرا:

اولاً در آیات قبلی، مخاطب سوره به دلیل آیه ۱۲، پیامبر اکرم ﷺ است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۰۵) نه مکذِّبان که در این آیات به نحو غیاب از آنها یاد شده است، لذا در صورت نبودن قرینه‌ای قوی تر باید مخاطب آیات ۱۶-۱۹ را نیز پیامبر اکرم ﷺ دانست. ثانیاً صحنه قیامت تا آیه ۱۳ ادامه پیدا کرده و آیه ۱۴ و ۱۵ به مانند آیه ۵، حقیقت دیگری از حالت‌های انسان‌های مکذِّب در دنیا را افشا می‌کند. مستند این مطلب آن است که در آیه ۱۳ با قید «يَوْمَئِذٍ» خبر دادن اعمال به انسان، به روز قیامت اختصاص داده شده است، اما در آیه ۱۴ بصیر بودن انسان به نفس خویش بدون این قید آمده است. از سوی دیگر در همه روایات تطبیقی مربوط به این آیه، آن را به معنای بصیر بودن انسان بر نفس خویش در موطن دنیا دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۷/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۷۲۳ و ۱۱۹/۵ و ۷۱۹/۷...).

با توجه به دلایل مطرح شده، مخاطب این آیات را انسان و زمان آن را قیامت دانستن، نمی‌تواند دیدگاهی راجح باشد.

۲- اشکال دیگر این دیدگاه آن است که کتابت و قرائت صحیفه اعمال را به مانند امری مادی فرض کرده و برخورد مجرمان با این صحیفه را نیز مانند برخورد خلاف کارانه یک مجرم با یک سند و حکم قضائی در دنیا دانسته است، در حالی که با توجه به آیات متعدد قرآن، مانند: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ»

(آل عمران / ۳۰) مشخص می‌شود که کتاب اعمال، مانند کتاب‌های معمولی، دارای خطوط و نقوش نمی‌باشد، بلکه در بردارنده حقیقت اعمال و نتایج خیر و شر آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۵/۱۳) که در صحیفه وجود آدمی نقش بسته و انسان در روز قیامت مأمور به قرائت آن با بصیرت باطنی می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۱۹/۹-۲۲۱). کتاب مذکور و نطق آن (جائیه / ۲۹) و قرائت این کتاب توسط انسان در روز قیامت، به گونه‌ای دقیق است که برای حسابرسی انسان، حجتی کافی می‌باشد: ﴿أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (اسراء / ۱۴)

در جمع‌بندی اشکالات این دیدگاه باید بیان کرد که چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، ظاهراً انگیزه اصلی مطرح شدن این دیدگاه، وجود اشکالاتی در دیدگاه مشهور اول، مانند: ارتباط نداشتن با آیات قبل و بعد و ترس پیامبر اکرم ﷺ از فراموشی قرآن و تناسب نداشتن آن با وعده قطعی خداوند بر فراموش نکردن وحی الهی بوده است، اما باید بیان داشت که این نظر، تنها یک فرض است که جزئیات آن روشن نبوده و با ظواهر و سیاق آیات همخوانی نداشته، با آیات دیگر قرآن درباره قیامت و کتاب اعمال همسویی ندارد.

۳-۵. دیدگاه سوم

در این دیدگاه نیز مانند دیدگاه اول، بحث آیات، قرائت قرآن دانسته شده است. عده‌ای به اشتباه این دیدگاه را با دیدگاه اول یکسان گرفته‌اند، در حالی که تفاوت محسوسی میان این دو دیدگاه وجود دارد، بر مبنای دیدگاه اول، پیامبر اکرم ﷺ در خواندن آیات قبل عجله می‌کرده‌اند، در حالی که بنا بر دیدگاه سوم ایشان به واسطه علم اجمالی به قرآن که منشأ آن نزول دفعی قرآن بر قلب ایشان بوده، در خواندن آیات بعد که هنوز نازل نشده عجله می‌کردند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰-۲۸۱). همچنین مستمسک اصلی دیدگاه اول نقل ابن عباس می‌باشد، در حالی که مفسرانی که به دیدگاه سوم قائل‌اند، این نقل و برداشت حاصل از آن را موافق سیاق و منطبق بر آیات نمی‌دانند (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۱۰ و ۲۰/۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰).

علامه طباطبایی در شرح این دیدگاه می‌نویسد: این چهار آیه در میان آیات قبل و بعدش جملات معترضه‌ای است که رسول خدا ﷺ را فرمان می‌دهد به اینکه در هنگام گرفتن آنچه به وی وحی می‌شود، ادب را رعایت نموده، قبل از آنکه وحی تمام شود، آیاتی را که هنوز به طور کامل نازل نشده نخواند، و زبان خود را به خواندن آن حرکت ندهد. در واقع، گفتار در آیات مورد بحث به منزله سفارش یک گوینده از ما آدمیان است، که در ضمن سخنی که با شنونده خود می‌گوییم، شنونده بخواهد با یک کلمه و دو کلمه سخن ما را تکمیل کند و قبل از اینکه ما آن را به زبان بیاوریم او به زبان بیاورد و ما احساس کنیم که این عمل وی نمی‌گذارد به طور کامل سخن ما را بفهمد، لذا او را از سخن باز داشته، به وی می‌گوییم در سخن من عجله مکن، و هیچ مگوتا سخن مرا بهتر بفهمی و بعد از این تذکر نیز دوباره به سخن خود ادامه می‌دهیم (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۲۰).

بر اساس این دیدگاه، توضیح ادامه آیات نیز بدین صورت است: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ تعلیل آیه قبل است و معنای آن، این است که به قرآن عجله مکن، چون جمع کردن آنچه به تو وحی می‌شود و پیوسته کردن اجزای آن به یکدیگر، و قرائت آن بر توبه عهده ماست، و هیچ یک از اینها از ما فوت نمی‌شود تا تو عجله کنی و قبل از خواندن ما، آن را بخوانی. ﴿فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾؛ یعنی وقتی قرائت آن را تمام کردیم و وحی ما پایان یافت، آن وقت، خواندن ما را پیروی کن و بعد از تمام شدن کار ما، تو شروع به خواندن کن. ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾؛ یعنی ایضاً وحی که پیرو جمع و قرائت آن است، نیز بر عهده ماست. (همان، ۱۰۹/۲۰-۱۱۰) مؤلف تفسیر الفرقان نیز از جمله طرفداران این دیدگاه می‌باشد و به تبیین بیشتر آن می‌پردازد (بنگرید به: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹/۲۸۰-۲۸۴).

۳-۶. نقد

۱- اگر پیامبر اکرم ﷺ به واسطه نزول دفعی، الفاظ آیات قرآن را قبل از نزول تدریجی قرآن می‌دانسته‌اند، به ناچار از آیات مورد بحث نیز آگاه بوده‌اند. در این صورت، عجله در خواندن آیات بعدی، عمل برخلاف آیات مورد بحث است، که این امر، خلاف شأن پیامبر گرامی اسلام ﷺ خواهد بود (صبحی، ۱۳۹۴: ۹۶).

۲- ظهور بحث قرائت قرآن که در کنار جمع و بیان آن آمده، قرائت تبلیغی است نه صرف قرائت شخصی پیامبر اکرم ﷺ. از جمله قرائن این مطلب، حدیث امام صادق علیه السلام است که آیه «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» را مستند این مطلب دانسته‌اند که پیامبر اکرم ﷺ آیات وحی را فقط به فرمان جبرئیل تبلیغ می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸/۸۹). همچنین برخی احادیث تطبیقی اهل بیت علیهم السلام نیز که این آیات را نهی الهی پیامبر اکرم ﷺ از تبلیغ مطلبی خاص به مردم دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۷: ۲/۳۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۸/۴۶)، مؤید مطلب گذشته است. گفتنی است حتی برخی از مفسرانی که به این دیدگاه تمایل دارند، بحث این آیات را نهی پیامبر اکرم ﷺ از عجله در ابلاغ قرآن دانسته‌اند (بنگرید به: قرشی، ۱۳۷۷: ۱۱/۴۵۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۷/۱۴۶-۱۵۲).

۳- در این دیدگاه، مرجع ضمیر «ه» در «لَا تُحَرِّكُ بِهِ»، قرآن به طور مطلق دانسته شده است. این نوع از ارجاع ضمیر در مواضعی مانند آیه اول سوره قدر، به کار رفته است، اما اگر در موردی، مرجع ضمیر موجود باشد، ارجح آن است که این ضمیر به مرجع موجود برگردد نه مرجعی که از فحوای کلام به دست می‌آید. لذا در این مثال، مناسب‌تر آن است که مرجع ضمیر را همان آیات قبل سوره بدانیم. همچنین نباید مشابهت معنایی این آیات با آیه «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴) باعث این پندار شود که چون در آیه سوره طه، بحث از قرآن به طور مطلق است «لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ»، پس در آیات سوره قیامت نیز باید مرجع ضمیر را قرآن به طور مطلق دانست؛ زیرا در اینکه بحث آیات سوره قیامت، وحی و قرآن است، شکی نیست و ما در دیدگاه مورد قبول مان نیز همین نظرا تثبیت می‌کنیم و آیه مذکور سوره طه هم می‌تواند قرینه‌ای بر صحت این مطلب در مقابل برداشت حاصل از دیدگاه دوم باشد، اما سؤال اصلی آن است که آیا قرآن به طور مطلق مورد نظر است یا آیات قبلی سوره؟ دلیل پیش گفته مؤید این بود که اظہر آن است که در آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت، نظریه آیات قبلی سوره است نه مطلق قرآن.

فهم دقیق سیاق آیات سوره، مؤید هر دو مطلب پیش گفته است. در ادامه مقاله و در توضیحات و مستندات دیدگاه خود، این مطلب توضیح بیشتری داده خواهد شد.

۴- مشخص نیست که این آیات به چه علت در این سوره و آن هم نه در سیاقی جدا، بلکه در میان مباحث مربوط به قیامت آمده است؟ اگر این آیات در سوره‌ای جدا یا حتی در سیاقی جدا از این سوره آمده بود، شاید این دیدگاه (به شرط رفع اشکال اول)، قابلیت پذیرش داشت.

۴. بیان دیدگاه جدید

تدبر در سیاق و سیر آیات سوره قیامت، مشخص می‌کند که آیات ۱۶-۱۹ سوره، هر چند به مثابه جمله معترضه در میان آیات مربوط به قیامت، به ویژه آیات ۱-۱۵ و ۲۰-۲۱ قرار گرفته، اما به طور کامل با مباحث سوره مرتبط بوده، خطابی به پیامبر اکرم ﷺ برای عجله نکردن در قرائت و بیان آیات راهگشای سوره، قبل از جمع و قرائت کامل آیات درون سوره و شکل‌گیری کامل بیان الهی می‌باشد. در واقع هر چند این دیدگاه نیز موضوع را مرتبط با قرآن می‌داند، اما از یک سواصل بحث را آیات گذشته همین سوره و از سوی دیگر مطلب را نه صرف قرائت شخصی قرآن توسط پیامبر اکرم ﷺ، بلکه قرائت و بیان تبلیغی ایشان می‌داند.

برخی صاحب نظران این دیدگاه را چنین شرح داده‌اند: زمانی که پانزده آیه ابتدایی سوره نازل شد و از راز نهان لجاجت مشرکان پرده برداشت و افشاگری کرد، پیامبر اکرم ﷺ دیدند که ابلاغ این محتوا و غرض، تأثیر بسزایی در روان‌سازی مسیر ترویج دین و قرآن ایفا می‌کند. همین امر سبب شد که آن حضرت پس از نزول این آیات (۱-۱۵) و پیش از اتمام سوره، از وقفه پیش آمده در نزول استفاده کرده، با شتاب در صدد ابلاغ وحی نازل شده برآیند، از این رو آیات ۱۶-۱۹ نازل شد و خداوند ایشان را متوقف کرد تا ادامه آیات سوره نازل شوند و سوره پایان پذیرد (الهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۱؛ صبحی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۷).

سپس ایشان سوره را به طور کامل ابلاغ کنند.

۵. توضیحات و مستندات دیدگاه جدید

هر چند برخی مستندات این دیدگاه در نقد دیدگاه‌های گذشته به ویژه دیدگاه سوم بیان شد، اما برای توضیح بیشتر باید بیان کرد: از آنجا که هر سوره به مثابه یک کل منسجم است، برای فهم درست آیات هر سوره باید در تمامی آیات سوره تدبر کرد و نظام آیات و سیاق آن سوره را دریافت و در پی آن به فهم صحیح و جایگاه روشن همه آیات آن دست پیدا کرد. درباره آیات ۱۶-۱۹ این سوره نیز وضع بدین منوال است. از این رو قبل از بیان معنای این آیات، نمایی کلی از سوره قیامت با توجه به ظواهر و سیاق آیات آن بیان می‌شود و در پرتو آن به مفهوم و جایگاه آیات ۱۶-۱۹ می‌پردازیم:

این سوره چنان که از ظواهر آیاتش برمی‌آید، از ابتدا تا انتها، به موضوع قیامت پرداخته است. هر چند بسیاری از سوره‌های کوچک قرآن مانند مرسلات و نبأ نیز چنین‌اند، اما این سوره در پرداخت به این موضوع منظری جدید را گشوده است، بدین بیان: سوره با طرح یک پندار باطل (آیه ۳) و سؤال ناروای انسان مکذّب (آیه ۶) آغاز می‌شود، اما با وجود این، تنها با یک پاسخ اجمالی (آیه ۴) از آن گذر کرده، به طور تفصیلی تا آیات ۲۱ به افشای ریشه‌های پنهان این پندارهای باطل و سؤالات ناروا می‌پردازد، آنگاه به یادآوری احوال انسان‌ها به ویژه مکذّب‌بان در آن روز و لحظات مرگ که دریچه ورود به قیامت است، پرداخته و ایشان را به شدت انذار می‌کند (آیات ۲۲-۳۵). سوره در انتها گویی به همان پندار اول سوره بازگشته، آن را از منظری روشن‌تر مطرح می‌کند (آیه ۳۶) و سپس به آن پاسخ می‌دهد (آیه ۳۷-۴۰). از این رو هر چند موضوع سوره مانند بسیاری از سوره‌های دیگر، بحث قیامت است، غرض آن، افشای لایه‌های پنهان شبهه نفی قدرت خدا بر معاد و انذار شدید ایشان در این راستا می‌باشد (بنگرید به: الهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۷). این افشاگری به ویژه در بیست و یک آیه ابتدای سوره، نمود پیدا کرده است؛ از این رو باید آیات ۱۶-۱۹ را نیز در این فضا و سیاق فهمید.

نکته مهم دیگری که برای فهم آیات ۱۶-۱۹ باید مدّ نظر داشت، این است که آیات مورد نظر نه در انتهای بحث، بلکه درست در میانه بحث مطرح شده است، بدین شرح:

بعد از آنکه خداوند در دو آیه ابتدایی سوره و برای نشان دادن وضوح مسئله قیامت از سوگند خوردن پرهیز کرده (نهایندی، ۱۴۲۵: ۳۷۷/۶؛ صبحی، ۱۳۹۴: ۸۹) و با اشاره به نفس لؤمه که محاکمه گردونی انسان است، در واقع مؤیدی عینی برای اثبات محکمه قیامت آورد (نهایندی، ۱۴۲۵: ۸۸/۶-۸۹)، پندار و استبعاد باطل منکران مبنی بر ناتوانی خداوند برگردآوری استخوان‌های پراکنده و پوسیده انسان‌ها را در قیامت نقل کرده (آیه ۳)، پاسخی اجمالی به آن می‌دهد (آیه ۴). از این پس سوره به افشای ریشه‌های درونی این پندار پرداخته، چنین مطرح می‌کند که اگر انسان‌ها درباره قیامت، امکان آن و حتی وقت برپایی آن سؤال می‌کنند، نه از روی کنجکاو و رسیدن به جواب است، بلکه از آن روست که ایشان قصد فجور و پرده‌داری دارند (آیه ۵-۶). آنگاه در عین اینکه تلویحاً اشاراتی به نشانه‌های برپایی قیامت می‌کند (آیه ۷-۹ که شرط می‌باشند)، اصل سخن (جواب شرط) را به دلهره و بی‌پناهگاهی ایشان در این روز اختصاص داده (آیه ۱۰-۱۱)، سپس در خطابی به پیامبر اکرم ﷺ قرارگاه همه انسان‌ها در آن روز را به سوی خدا دانسته (آیه ۱۲) و در آخرین گام، آن روز را موعد خبردار شدن انسان‌ها از همه اعمال خویش معرفی می‌کند (آیه ۱۳). در واقع خداوند بعد از آنکه ریشه شبهه ایشان را فسادکاری معرفی کرد، در گامی جلوتر، قیامت را ظرف حتمی و بی‌چون و چرای خبردار شدن همین منکران به اعمال پلید خویش اعلان می‌کند. اما سوره به همین سطح از افشا و تهدید اکتفا نکرده، در آیات ۱۴-۱۵ از یک حقیقت دیگر پرده برمی‌دارد و بیان می‌کند: آن‌گونه نیست که انسان، تنها در قیامت به اعمال پلید خویش پی‌ببرد، بلکه همه انسان‌ها بر خویشتن کاملاً آگاه‌اند و لو اینکه عذر بتراشند، سپس بعد از آیات ۱۶-۱۹، دوباره در آیات ۲۰-۲۱ به همین بحث بازگشته، این بار در خطابی به خود منکران باز هم افشاگری دیگری می‌کند: این پندارهای شما درست نیست، بلکه ریشه همه این مسائل آن است که شما دنیای زودگذر را دوست می‌دارید و آخرت را وا گذاشته‌اید!

با آنچه یاد شد، سیر آیات ۱-۱۵ و ۲۰-۲۱ و فضا و سیاق آنها به دست آمد و مشخص شد که آیات ۱۶-۱۹ در وسط بحث آمده و به نوعی ارتباط وثیق این آیات را قطع کرده

است. حال باید دید حکمت این خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن هم در میانه بحث چیست؟ توجه به آیه ۱۶، مستند ظاهری این ارتباط را مشخص می‌کند. ضمیر «ه» در «لَا تُحَرِّكُ بِهِ» به مرجع نیاز دارد و تنها مرجع موجود در سوره، همان آیات و موضوعات گذشته سوره است. پس تحریک لسان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عجله در خواندن همان آیات گذشته و پرداختن به مباحث پیشین سوره بوده است. حال باید دید که این کار برای چه و به چه قصدی صورت گرفته است؟ توجه به دو مسئله، به کشف دقیق این نکته کمک می‌کند: یکی فهم منسجم آیات ۱۶-۱۹ و دیگری توجه به اینکه چرا این آیات در این سوره و آن هم در میان آیات ۱-۱۵ و ۲۰-۲۱ آمده است.

با توجه به آیه ۱۷ و ۱۹ - با «إِنَّ» تعلیلیه، که تعلیل آیه ۱۶ می‌باشد (صافی، ۱۴۱۸: ۱۷۲/۲۹-۱۷۳) - فهمیده می‌شود که علت نهی خداوند از عجله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این است که علاوه بر قرائت آیات، جمع و بیان آنها نیز بر عهده خداوند می‌باشد و از آیه ۱۸ نیز دریافت می‌شود که قرائت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید بعد از جمع و قرائت آیات توسط خداوند باشد؛ یعنی ابتدا باید آیات توسط خداوند و به وسیله جبرئیل به طور کامل جمع و قرائت شود که اگر چنین شود آیات به طور کامل به مرحله بیان رسیده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۰/۲۰) و آنگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وظیفه دارد آن بیان الهی را بر مردم قرائت و ابلاغ کنند.

از سوی دیگر توجه به قرار گرفتن این مطلب در میانه بحث و قبل از اتمام آن، مشخص می‌کند که مقصود آیات از نهی از عجله در ابلاغ آیات ۱-۱۵، قبل از جمع، قرائت و بیان الهی، تمام شدن کامل مطالب سوره می‌باشد (الهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۶). واژه جمع و شیوه کاربرد آن در این آیات نیز از قرائن مطلب پیش گفته است؛ زیرا کاربرد واژه "جمع" قبل از "قرائت" در آیه «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» و دستور قرائت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از این جمع و قرائت الهی «فَإِذَا قُرْآنَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ»، مشخص می‌کند که مراد از این واژه، گردآوری حروف در کلمات و کلمات در آیات و آیات در مجموعه سوره می‌باشد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۵۰).

همچنین توجه به محتوای نوین سوره در پاسخ به شبهات مکذبان درباره قیامت و

افشای این حقیقت که شبهات منکران بیش از آنکه جنبه علمی داشته باشد، جنبه روانی دارد، مشخص می‌کند که عجله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سبب حرص و اشتیاق شدید ایشان به هدایت مردم بوده است؛ زیرا مسئله قیامت یکی از مسائل محوری در هدایت قرآن بوده، افشای لایه‌های پنهان شبهات پی‌در پی منکران، نقشی بسزا در روان‌سازی جریان هدایت قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت (الهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۴).

باید توجه داشت که حکمت قرارگیری این آیات در بحبوحه بحث افشاگری خداوند نسبت به لایه‌های پنهان انکار مکذبان قیامت، تعلیم این حقیقت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که در ابلاغ وحی و چگونگی پیشبرد امر هدایت نیز باید تابع برنامه حکیمانه الهی بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۹۹) و حتی اشتیاق در ابلاغ امری بسیار مهم و راهگشا در هدایت جامعه انسانی نیز نباید دلیل چنین کاری قرار گیرد. البته آیه «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴) که ظاهراً به لحاظ نزول در سوره‌ای بعد از سوره قیامت نازل شده (بنگرید به: بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۰۸-۳۴۸)، این مطلب را به کل قرآن تعمیم داده «لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ» و تعلیم الهی صورت گرفته در خلال آیات سوره قیامت را به امر تبلیغ تمام قرآن تسری داده است و اینها همه نشان می‌دهد که درباره امر خطیر قرآن، دخالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی به اندازه ابلاغ زود هنگام آیه‌ای که نازل شده، منتفی است و این خود حکایت از اوج پیروی واسطه وحی در دریافت و ابلاغ قرآن دارد (صبحی، ۱۳۹۴: ۹۷).

نتیجه

سوره قیامت، فصلی نوین از هدایت‌های راهگشای الهی است و با بیانی بی‌بدیل به افشای لایه‌های درونی و پنهان شبهات مکذبان قیامت پرداخته و راه را هر چه بیشتر برای هدایت‌های قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هموار می‌کند. آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که بعد از استماع پانزده آیه نخست سوره و پی بردن به نقش راهگشای آن در مسیر هدایت، شوقی فراوان در ابلاغ آن پیدا کرده، از عجله در این امر و قرائت این آیات بر مردم، قبل از جمع و قرائت کامل این سوره باز می‌دارد. البته در لایه‌ای دیگر از معنا و به

کممک تصریح آیه ۱۱۴ سوره طه، دامنه توصیه آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت را می‌توان به کلّ قرآن تعمیم داد؛ یعنی اینکه پیامبر اکرم ﷺ باید از برنامه حکیمانه نزول تدریجی وحی و هدایت الهی در کمیت و کیفیت آن، بدون هیچ‌گونه تعجیل، به‌طور کامل پیروی کند و از ابلاغ واحدهای نزول قرآن (چه یک سوره کامل دفعی النزول و چه واحدهای نزول سوره‌های تدریجی النزول) قبل از کامل شدن وحی آن بپرهیزد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آخوندی، اصغر، آیات ۱۶-۱۹ «سوره قیامت، مخاطب‌شناسی و زمان خطاب»، *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ش ۸، ۱۳۹۲ ش.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۴. الهی‌زاده، محمد حسین، *درسنامه تدبیر در قرآن* (جزء بیست و نه)، مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۵. بلاغی، سید عبدالرحمت، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، انتشارات حکمت، قم، ۱۳۸۶ ش.
۶. بهبودی، محمد باقر، *تدبیری در قرآن*، انتشارات سنا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۷. بهجت‌پور، عبدالکریم، *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۸. _____، *همگام با وحی، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، مؤسسه تمهید، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۹. خامه‌گر، محمد و مهدی جلالی، «نقد روایات تعجیل پیامبر در تکرار آیات هنگام نزول»، *پژوهش‌های قرآنی*، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ش ۷۲، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. شلتوت، محمود، *الی القرآن الکریم*، سپهر، تهران، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. صافی، محمود بن عبدالرحیم، *الجدول فی إعراب القرآن*، دار الرشید - مؤسسه الایمان، دمشق و بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ق.

۱۵. صبحی، علی، *تدبر در قرآن کریم* (جلد ۵- سوره‌های مزمل تا مطففین)، مؤلف، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. فقهی زاده، عبدالهادی، «تأملی در هم پیوندی آیات در سوره قیامت»، *مقالات و بررسی‌ها*، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ش ۶۳، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. مدرّسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، دار محبتی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۰. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. نجارزادگان، فتح الله، «مخاطب و زمان خطاب آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت و نقد نظریه نسیان پذیری وحی»، *فصلنامه انجمن معارف اسلامی*، انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۷، ۱۳۸۵ ش.
۳۲. نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم، *نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.